

همین رفتاراش بود که اون و از بقیه جدا می‌کرد
خاص رفتار می‌کرد طوری که هر دختری شیفته‌ی جذبه و منش و رفتارش بشه
به من گفته بود این مهمونی مال یکی از همکاراش و دوست قدیمیشه
اما اینجا طوری باهاش رفتار می‌کردن که انگار صاحب مجلسه
که انگار صاحب این مهمونی و میزبان همه این آدم‌ها کسی نیست جز خود شاهو!
برام سوال بود که چطور میشه این همه آدم این طور میزبانو اشتباه بگیرن.

شاهو لحظه‌ای منو تنها گذاشت و به طرف باری که گوشه سالن بود رفت چیزی به
مسئول بار گفت و دو گیلای ازش گرفت و به سمت من برگشت

یکی از اونا رو به دست من داد و گفت

...بیا به سلامتی همدیگه و اینکه به زودی به هم میرسیم

آب دهنم و پایین فرستادم با مکت گفتم

اما من مشروب نمیخورم دوباره از همون اخم‌هایی که باعث میشد همیشه کوتاه پیام
و تسلیم بشم روی صورتش نشوند و گفت

... بچه بازی در نیار مونس من کنارتم قرار نیست که بد مستی کنی فقط یکی

یه گیلای هیچکس و مست نمیکنه

اهل مشروب خوردن نبودم نه که پدرم هرگز مشروب نخورده باشه یا توی مهمونی
هامون ندیده باشم نبودم چون پدرم دوست نداشت مادرم مخالف بود و من این
طوری بزرگ شده بودم
که کاری که خانوادم دوست ندارن و انجام ندنم



کاربر گرامی جهت اطلاع از زمان پارت بعدی این رمان و دسترسی راحت تر به
پارت های جدید لطفا در کانال و پیج اینستاگرام ما عضو شوید :

جهت عضویت در کانال تلگرامی و اینستاگرامی ما روی عکس زیر کلیک کنید

(برای عضوین در کانال تلگرامی فیلتر شکن را روشن کنید سپس کلیک کنید)

عضویت در کانال تلگرامی رمان پلاس

اطلاع از زمان دقیق آپدیت ها / دسترسی سریعتر به پارت های جدید / اخبار سایت و..



عضویت در پیج اینستاگرام فایل استار

اطلاع از تیزر رمان های برتر / اخبار دنیای رمان / دسترسی به نویسنده رمان ها



